

اسناد دیگری از بی‌دادگاه‌های جمهوری اسلامی علیه کارگران - ۳ (*)

توضیح: از آنجا که در این "دادگاه‌ها" هیچ سندی به "متهم" داده نمی‌شود، رأی دادگاه نیز، شفاهی قرائت شده و حداکثر وکیل مدافع "متهم" (در این مورد آقای احسان پویافر) می‌تواند از روی متن رأی صادره، رونویسی نماید. لذا ما در این بررسی کوتاه رأی صادره، نسخه دستنویس رأی "دادگاه" و رونویس آن توسط وکیل مدافع را مبنا قرار داده و ضمیمه می‌کنیم.

چنانچه در این حکم ملاحظه می‌کنیم (اسناد اول و دوم ضمیمه)، قاضی و هیئت رئیسه دادگاه رأی خود را به استناد کیفرخواست و گزارش اداره اطلاعات شهریار و اظهارات متهم و ... صادر کرده‌اند، اما از آنجا که هیچ‌یک از این مستندات نه در اختیار "متهم"، نه وکیل مدافعش است و نه شخص ثالث بی‌طرفی از آن‌ها اطلاع دارد، هیچ مبنایی هم برای اطمینان از درستی چنین قضاوت و رأی صادره آن وجود ندارد، بنابراین به لحاظ حقوقی، این رأی از همان ابتدا باطل است. بوضوح پیداست که چنین آرائی از پیش و به دستور وزارت یا اداره اطلاعات صادر شده و کار قاضی و دادگاه فقط ابلاغ رسمی و حفظ ظاهر حقوقی دادن به آن است. از این‌رو نیازی هم به ارائه مستندات مورد ادعای خود ندارند، حکم، حکم است و لازم‌الاجرا، خود بریده و خود دوخته‌اند!

"ترجیع بند" "فعالیت تبلیغی بر علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و به نفع گروهک‌های مخالف ... " که در تمامی "احکام" صادره چنین "دادگاه"‌هایی به خصوص علیه فعالین کارگری، جزو مهم‌ترین "مدارک" شان بوده و گناهی کبیره و نابخشودنی است، در این رأی نیز طبعاً به صورت اتوماتیک تکرار می‌شود، بدون این که از مورد مشخص تبلیغ آقای غلامرضا غلامحسینی علیه این "نظام مقدس!" و یا آن "گروهک‌های مخالف" مشخص، نامی برده شود، زیرا اگر این ادعا را مستند به فعالیت‌های ایشان کنند، دم خروس بیرون می‌زند و خود اعترافی بر ضدیت این نظام ضد کارگری با منافع کارگران است. زیرا آقای غلامحسینی یک کارگر شرکت واحد و عضو سندیکای کارگران این شرکت بوده و "جرمی" بجز این نداشته و تمامی فعالیتش دفاع از حقوق حقه خود و منافع هم‌طبقه‌ای‌هایش در چارچوب اساسنامه این سندیکا بوده و هیچ سند و مدرکی دال بر تبلیغ ایشان علیه نظام و یا رابطه با "گروهک"‌های مخالف وجود ندارد. اما از آنجا که نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، ماهیتاً و عمیقاً و عملاً ضد کارگر است، طبعاً هر فعالیت صنفی کارگران در جهت کسب حقوق‌شان، با منافع سرمایه‌داران و نظام و دولت حامی و دستگاه قضایی مربوطه‌اش در تضاد بوده و لذا "جرم" تلقی شده و "فعالیت تبلیغی بر علیه نظام ... " به حساب می‌آید! بنابراین اگر نوع فعالیت آقای غلامحسینی و یا هر کارگر فعال دیگری را مصداق "فعالیت تبلیغی علیه ... " بنامند و لذا آن را "جرم" اعلام کنند، در حقیقت، رسماً اعتراف کرده‌اند که این نظام ضد کارگر و فعالیت‌های کارگری است. هرچند چنین نظامی، با چنان "دادگاه" گوش به فرمان و استاد ازل فرموده‌ای، کمترین شرمی از چنین کاری نیز ندارد، مگر در سری اول این نوع اسنادی که منتشر کردیم، ندیدیم که در ارتباط با همین آقای غلامحسینی، سندیکای کارگران شرکت واحد را وقیحانه "تشکل غیر قانونی" نامیده و عضویت ایشان در آن سندیکا را "جرم" خواندند؟

این "دادگاه" با دادن ۲۰ روز فرصت برای تجدید نظر خواهی به پایان می‌رسد. آقای غلامحسینی با نوشتن عبارت "اعتراض دارم" و اثر انگشت خود در پای این حکم، تصمیم خود را مبنی بر تجدید نظر خواهی در همان‌جا اعلام کرده است.

در کمتر از ۲۰ روز درخواست تجدید نظر توسط آقای احسان پویا فر وکیل مدافع آقای غلامرضا غلامحسینی به دادگاه ارائه می‌شود، اما پس از ۵ ماه این درخواست و دادنامه صادره توسط شعبه اول دادگاه شهریار، در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران، مورد "بررسی" و صدور حکم نهایی

قرار گرفته و حکم قطعی پس از یک ماه دیگر به شعبه اول دادگاه شهریار اعاده می‌شود. (اسناد سوم و چهارم ضمیمه را ملاحظه نمایید)

از "دادگاهی" با چنان ماهیت و کیفیت، که چنان رأی فرمایشی صادر می‌کند، " آیا از "دادگاه تجدید نظر" اش، انتظار دیگری می‌توان داشت؟ بیله دیگ، بیله چغندر! اگر این "دادگاه" در حکم بدوی "تجدید نظر" می‌کرد، یعنی اگر حکم را لغو نمی‌کرد، حداقل تخفیفی بر آن حکم قائل می‌شد، نشان می‌داد که برخلاف "دادگاه" اول، این "دادگاه" و قاضی‌اش مستقل است، اما با توجه به نوع استدلال‌ها و استنادات به نظیر همان "مواد قانونی" دادگاه اول، بدون شرح آن‌ها و بویژه اعتراض و درخواست تجدید نظر آقای غلامحسینی نسبت به آن رأی را، بدون کمترین توضیحی، بی‌شرمانه غیر موجه و غیر مستدل خواندن، نشان می‌دهد که این "دادگاه" هم تنها دکوری "قانونی" و زائده‌ای از همان اولی و همان "نظام" است و همه سر و ته یک کرباسند، شاید باید ممنون این "دادگاه" هم بود که با تشدید و اضافه کردن مدت زمان حبس در رأی اولیه، "تجدید نظر" نکرده است !!!

"دادگاه تجدید نظر" پیروزمندانه طابق نعل بالنعل حکم اولیه را تأیید و تصریح می‌کند و آن را با استناد به کیفرخواست و گزارش اداره اطلاعات شهریار و اظهارات متهم و ... قانونی و قطعی اعلام کرده و با انجام این مأموریت خود، آن را به شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهریار اعاده و ابلاغ می‌نماید.

به همین سادگی و با ظاهری "قانونی" و حق به جانب، طی یک سری مراحل اداری طولانی و به کارگیری "مواد قانونی"، که در حقیقت قانون سرمایه و سلاحی در دست آنان برای بیخ دیوار نشاندن کارگران است، با سرنوشت یک کارگر بازی کرده و به ناحق، حقوق انسانی او را پامال کرده و با محروم کردن او از هر تلاشی برای حفظ و یا کسب حقوقش، او را در چنان فشار و تنگنایی قرار می‌دهند، که ناگزیر از ۳۰ میلیون تومان وثیقه کمرشکنش می‌گذرد و آن "بهشت اسلامی" را به منادیانش واگذار می‌کند و برای این‌که بتواند در فضایی بازتر به فعالیتش ادامه داده و فریاد حق-طلبانه‌ی خود و سایر هم‌طبقه‌ای‌هایش را به گوش جهانیان برساند، به خارج پناه می‌برد و با چنین اقدامی، ارزش آزادی را با چنین بهای سنگینی، ارج می‌گذارد.

ما در بخش‌های بعدی این نوع اسناد، به جوانب دیگری از احکام این نوع "دادگاه"ها و تبعات و پیامدهای آن خواهیم پرداخت. (**)

* - سومین سری از اسناد منتشر شده توسط کمیسیون حقوقی نهادهای همبستگی با کارگران ایران - خارج کشور

* * - جهت اطلاع خوانندگان، متن موادی که در اسناد همراه به آنها اشاره شده را در زیر می‌آوریم:

ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی

هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

.....

ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب - کتاب دوم - در امور کیفری (۷۸/۱/۲۲)

- جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است.

الف - ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا فقدان شرایط قانونی شهادت در شهود و یا دروغ بودن شهادت آنها

ب - ادعای مخالف بودن رأی با قانون .

ج - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی .

د - ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده رأی .

تبصره - اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر مرجع تجدیدنظر می تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.

.....

ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب - کتاب دوم - درامور کیفری (۷۸/۱/۲۲)

- دادگاه تجدیدنظر در مورد آراء تجدیدنظر خواسته بشرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید:

الف - اگر رأی مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن تایید آن ، پرونده را به دادگاه صادر کننده رأی اعاده می نماید.

ب - هرگاه رأی از دادگاه فاقد صلاحیت یا بدون رعایت تشریفات قانونی و یا بدون توجه به دلایل و مدافعات طرفین صادر شده و عدم رعایت موارد مذکور به درجه ای از اهمیت بوده که موجب عدم اعتبار قانونی رأی مذکور گردد و یا مخالف شرع یا مغایر قانون صادر شده باشد رأی صادره را نقض و بشرح زیر اقدام می نماید :

۱ - اگر عملی که محکوم علیه به اتمام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت ، جرم نبوده و یا به لحاظ شمول عفو عمومی یا سایر جهات قانونی قابل تعقیب نباشد و یا دادگاه تجدیدنظر به هر دلیل برائت متهم را احراز نماید حکم بدوی نقض و رأی مقتضی را صادر می نماید هر چند محکوم علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و چنانچه محکوم علیه در حبس باشد فوراً آزاد خواهد شد.

۲ - اگر رأی صادره به صورت قرار باشد و به هر علت نقض شود جهت ادامه رسیدگی به دادگاه صادر کننده قرار اعاده می گردد و دادگاه مکلف به رسیدگی می باشد.

۳ - اگر رأی به علت عدم صلاحیت دادگاه صادر کننده آن نقض شود دادگاه تجدیدنظر پرونده را به مرجع صالح ارجاع می نماید.

۴ - اگر دادگاه تجدیدنظر حکم بدوی را مخالف موازین شرعی یا قانونی تشخیص دهد با ذکر مبانی استدلال و اصول قانونی آن را نقض و پس از رسیدگی ماهوی مبادرت به انشاء رأی می نماید. رأی صادره جز در موارد مذکور در ماده (۲۳۵) این قانون قطعی می باشد.